

کینه‌جویی در عراق

الکس کالینیکوس

ترجمه‌ی بابک پاشا‌جاوید

استدلال جرج دبلیو بوش و تونی بلر برای توجیه تهاجم مارس ۲۰۰۳ به عراق این بود که این کشور تحت [حاکمیت] صدام حسین یکی از «محورهای شرارت»^۱ از میان «دولت‌های درمانده»^۲ بود، که خطری برای خود و دیگران هستند (دیگر دولت‌های عضو محور شرارت، ایران و کره‌ی شمالی بودند). اما حتی اگر دولت درمانده‌ای در کار بوده است رژیم‌ی است که از اشغال عراق پس از تهاجم پدید آمد، چنان‌چه سقوط ناگهانی موصل در برابر ائتلافی از نیروها به سرکردگی جهادی‌های داعش^۳ (دولت اسلامی عراق و شام)^۴ در نیمه‌ی ژوئن نشان‌گر [این امر] بوده است. و اکنون ایالات متحد در دوره‌ی باراک اوباما، خود را ناگزیر به اتحادی با عضو دیگر این «محور شرارت» یعنی رژیم جمهوری اسلامی ایران می‌بیند.

سال‌هاست جناح‌هایی از نیروهای چپ تلاش کرده‌اند تا به‌رغم تمامی شواهد مخالف، بر این عقیده بمانند که ایالات متحد به‌نوعی در عراق «پیروز» شده است. پری اندرسون به‌طور ظریفی جنگ را به‌عنوان «امری نسبتاً بدون رنج» توصیف می‌کند: «ایالات متحد، در هر حال، به لحاظ نظامی و سیاسی، به اهداف خود رسیده است؛ نه از فروپاشی زمستانی یالو^۵ خبری بود و نه از برخاستن اضطراری هلی‌کوپتری از سایگون»^۶ [۱]. به هر حال، فروپاشی و فرار شتاب‌زده‌ی ارتش عراق در مواجهه با پیش‌روی داعش در موصل و تکریت، تا حدی شبیه تجزیه‌ی ارتش وابسته^۷ به آمریکا [در پایان جنگ ویتنام] بود. زمانی که نیروهای ویتنام شمالی در بهار ۱۹۷۵ عقب‌نشینی نهایی را در سایگون بر آن تحمیل کردند.

axis of evil 1

failed states 2

ISIS 3

Islamic State of Iraq and the Levant (or ISIL) 4 (. م)

Yalu 5

Saigon 6

Client Army 7 برگرفته از ترکیب شناخته‌شده‌ی «client state» است، که به دولت‌هایی اطلاق می‌شود که از نظر اقتصادی، سیاسی، نظامی و ... در امور بین‌المللی تابع دولت قدرتمند دیگری هستند، و نیز به رژیم‌های استبدادی‌ای که ارتباط بسیار نزدیکی با ایالات متحد طی دوره‌ی جنگ سرد داشته‌اند؛ نظیر ویتنام جنوبی و ... از این نظر اصطلاح فوق را با لندکی اغماض می‌توان «دولت وابسته» ترجمه کرد، و بر همین مبنا، در متن حاضر از معادل «ارتش وابسته» به جای Client Army استفاده شده است. (م.)

ابعاد آن چه رخ داده است نیز واجد اهمیت است. تعداد نیروهای داعش بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ نفر برآورد شده است. موصل شهری دو میلیون نفره است. نیروهای امنیتی دولت عراق مدعی‌اند که جمعا دارای ۹۳۰۰۰۰ نفر نیروی آماده‌باش هستند که به جدیدترین تسلیحات توسط ایالات متحد مجهز شده‌اند [۲]. [حال پرسش این‌جاست که] چنین گروه کوچکی چگونه شهری به این بزرگی را به تصرف درمی‌آورد و چنین ارتش به‌ظاهر مقتدری را شکست می‌دهد؟

دو عامل اساسی این شکست حیرت‌آور را توصیف می‌کند. اولی پیامدهای مخرب اشغال عراق است. انگیزه‌ی فتح عراق آن‌چیزی بود که تویی د/ج «لیبرالیسم پویا»^۸ می‌نامد: «پس از برچیدن [حکومت] صدام/ حسین، ایالات متحد مامور ایجاد دولتی نئولیبرال شد که در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی کم‌ترین حضور ممکن را داشته باشد» [۳]. ترکیبی از عوامل شامل طرح‌ریزی نامناسب، تعداد ناکافی سربازان، و اساسی‌تر از همه، مقاومت مسلحانه‌ی به‌سرعت فزاینده در برابر اشغال، این تلاش را با شکست مواجه ساخت [۴].

ایالات متحد مجبور شد [در عراق] به محفل سیاست‌مداران عراقی تکیه کند که خود برای راه‌اندازی [دستگاه اداری] رژیم وابسته‌ای که پس از سال ۲۰۰۴ شکل گرفت، انتخاب کرده بود. حکومت موقت ائتلاف^۹ تحت سلطه‌ی آمریکا، از آغاز نمایندگی سیاسی را بر اساس خطوط قومی-مذهبی پایه‌گذاری کرد و منابع را مطابق آن تخصیص داد و سیاست فرقه‌گرای «تفرقه بیانداز و حکومت کن» را بنا نهاد که تاکنون غالب بوده است [۵]. اعضای این ائتلاف که پایه‌ی سیاسی‌شان در اکثریت مسلمان شیعه قرار داشت، و در دوره‌ی رژیم بعث‌گرای صدام تحت ستم واقع شده بودند، به تاکتیک‌هایی فرقه‌گرایانه متوسل شدند که به‌ویژه اقلیت عرب سنی را نشانه می‌رفت؛ رویه‌ای که با [برآمدن] جهادی‌های سنی القاعده در بین‌النهرین همبسته بود. نتیجه‌ی این روند، جنون کشتارهای فرقه‌ای بود که در سال ۲۰۰۶ به اوج خود رسید (که برطبق برآورد سازمان ملل با کشتار حدود ۳۵۰۰۰ غیرنظامی همراه بود) و سنی‌ها را از بخش‌های بزرگی از بغداد بیرون راند [۶].

ابعاد [گسترده‌ی] مقاومت [علیه اشغال]، دولت جوش را مجبور ساخت تا از فانتزی‌های گستاخانه‌ی بازسازی نئولیبرالی عراق دست بکشد. افزایش مشهود تعداد سربازان ایالات متحد، در سال ۲۰۰۷ در دوره‌ی ژنرال دیوید پیتیریس، نشان‌گر بازگشتی به جنگ متعارف ضد شورش بود، که نهایتاً در مناطقی که تحت تأثیر به‌اصطلاح «جنبش بیداری سنی»^{۱۰} بودند، موفق به ایجاد ثبات در وضعیت شد. اگرچه زمانی در این مناطق قوی‌ترین شورش‌ها جریان داشت، اما تاکتیک‌های القاعده اعتراضات را به انحراف کشانید.

kinetic liberalism 8

9 Coalition Provisional Authority (or CPA) (م.)

10 Sunni Awakening movement یا حرکة الصحوة السنیة (م.)

برنده‌ی اصلی [چنین اوضاعی] نوری المالکی بود که در آوریل ۲۰۰۶ به نخست‌وزیری منصوب شده بود. در آن زمان او به عنوان یک «کارگزار قدیمی»^{۱۱} دیده می‌شد که قائم‌مقام حزب شیعه‌ی الدعوة الاسلامیه بود و می‌توانست یک صاحب‌منصب بی‌ضرر باشد [۸]. اما مالکی با افزایش کنترل شخصی بر نیروهای امنیتی و گماردن شبکه‌ای از اقوام و دوستان نزدیک به پُست‌های کلیدی، از جمله پسرش /احمد به عنوان جانشین فرماندهی ارتش، به سرعت به انباشت [انحصاری] قدرت روی آورد.

با وجود این که در انتخابات سال ۲۰۱۰ فهرست [ائتلافی] مالکی دوم شد، اما وی به کمک آمیزه‌ای از مانورهای عیب‌جویانه و سرکوب‌های بی‌رحمانه، در حفظ قدرت موفق بود. مالکی به لحاظ ایدئولوژیک، ترکیبی از ناسیونالیسم عراقی و فرقه‌گرایی شیعی را در پیش گرفت. با این که رژیم تازه‌ی عراق وجودش را مرهون قدرت نظامی و کمک مالی آمریکا بود، مالکی تلاش دولت /وباما برای مذاکره در جهت عقد «موافقت‌نامه‌ی وضعیت نیروها»^{۱۲} را به بن‌بست کشاند؛ موافقت‌نامه‌ای که به ایالات متحد اجازه می‌داد پس از ضرب‌العجل خروج نیروهای نظامی‌اش در دسامبر ۲۰۱۱، بین ده تا بیست هزار سرباز خود را همچنان در عراق نگه دارد. تویی /داج متذکر می‌شود «در عمل، سربازان آمریکایی بایستی عراق را ترک می‌کردند» [۹]. این اولین باری نبود که یک [دولت] وابسته به امپراتوری توانست خودمختاری‌هایی را از ارباب خود بگیرد. مالکی در شرایطی بین ایالات متحد و ایران مانور داده است، که ایران از سال ۲۰۰۳ تاکنون با سازمان‌دهی و شکل‌دهی نیروهای سیاسی شیعه، نقش بسیار فعالی در داخل عراق داشته است.

در ساحت داخلی، مالکی به‌طور نظام‌مند به دنبال به حاشیه راندن اقلیت سنی بود؛ همان‌هایی که ایالات متحد در جریان تحولات در پی آرام کردن آنها بود. او عراقیه یا جنبش میهنی عراق^{۱۳} را که در انتخابات سال ۲۰۱۰ بر مبنای درخواست ملی‌گرایی سکولار اول شده بود منحل کرد؛ در حالی که لین جریان علاوه بر کسب ۸۰ درصد آرای سنی‌ها، در نواحی شیعه‌نشین هم مورد حمایت واقع شده بود. مخالفان متهم به بعث‌گرایی شدند و تبعید یا زندانی شده، مورد شکنجه قرار گرفتند و کشته شدند. زمانی که کمپ‌های اعتراضی الهام گرفته از نمونه‌های تونس و مصر در سال ۲۰۱۳ در سرتاسر عراق شکل گرفتند، مالکی ارتش را برای در هم کوبیدن آنها به کار گرفت.

در این بین، بیش از ده سال پس از تهاجم [به عراق] و در میان فساد رسمی حاکم بر کشور، شرایط مادی مردم عادی عراق وخیم باقی مانده است. خدمات پایه‌ای نظیر آب، برق و فاضلاب همچنان غیرقابل اطمینان‌اند و بانک جهانی [میزان] بیکاری در عراق را چهل درصد، و جمعیت نیمه‌بیکار (با اشتغال ناقص)^{۱۴} را سی درصد برآورد کرده است [۱۰]. به دلیل موفقیت مالکی در انهدام کامل اپوزیسیون،

11 Grey functionary

12 Status of Forces Agreement (or SOFA) (م.)

13 Iraqi National Movement یا «الحركة الوطنية العراقية» که Iraqiyya Coalition یا ائتلاف العراقیه نیز خوانده می‌شود. (م.)

14 Underemployed: به افراد مشغول به کاری اطلاق می‌شود که در آن (کار) نمی‌توانند از تمام ظرفیت خود استفاده کنند یا کار به قدر کفایت وجود ندارد. برای نمونه افراد متخصص مشغول به کارهای سطح پایین‌تر، با افرادی که به اجبار و

فهرست [ائتلافی] او در انتخابات پایان آوریل ۲۰۱۴ اول شد؛ این نشانی از فروپاشی سیاسی-اجتماعی عراق تحت حاکمیت اوست، که [جلسه‌ی] پارلمان حاصل نتوانست پس از سقوط موصل به حد نصاب برسد.

بنابراین، رژیم برآمده از تهاجم ایالات متحد شرایطی برای قیام‌ها و شورش‌های جدید به وجود آورد. اما پیکربندی معضلی که در عراق به وقوع پیوسته است، تحت تأثیر عامل دومی شکل یافته است؛ و آن وضعیت دگرگون‌شده‌ی منطقه است که جنگ داخلی سوریه به آن دامن زده است. *بشار اسد* در واکنش به انقلاب سال ۲۰۱۱ در سوریه، جنگ داخلی فرقه‌گرایانه‌ای را به راه انداخت. رژیم بعث‌گرای اسد که خود بر فرقه‌ی شیعه‌ی علوی پایه دارد، با تداعی و احضار تهدید سلطه‌ی اکثریت سنی به دنبال بسیج اقلیت‌های مذهبی دیگر سوریه بود.

در حالی که ارتش آزاد سوریه (FSA) و کمیته‌های انقلابی محلی برای حفظ بینش و افق سوریه‌ای سکولار و دموکراتیک مبارزه کرده‌اند، اما جهادی‌های سنی مسلح، که اغلب تحت حمایت‌های مالی شیخ‌شین‌های خلیج هستند، به‌طور فزاینده به نظامی‌گری روی آورده‌اند. در این میان، مصالح ژئوپلیتیک و سرسپردگی‌های فرقه‌ای، رژیم ایران و جنبش شیعی لبنان یعنی حزب ا... را به حامیان خارجی اصلی اسد بدل کرده است.

[نبرد] جهادی‌ها بستر لازم را برای رشد و نمو داعش فراهم نمود. این گروه، از القاعده در [سرزمین] بین‌النهرین برآمد که پس از شکست در عراق، در سوریه مستقر شد. در آنجا داعش تمرکز کم‌تری بر روی جنگ با رژیم [اسد] داشت، و در عوض بیش‌تر به گرفتن قلمرو از دست ارتش آزاد سوریه و جبهه‌ی النصره، که بازوی رسمی القاعده [در سوریه] است، متمرکز بوده است. داعش توانست پایگاهی با مرکزیت رقه ایجاد کند که در شرق سوریه قرار دارد، تا از آنجا قادر به از سرگیری عملیات [خود] در عراق شود. آن‌ها از سرکوب «بهار عراقی» به دست مالکی، در راستای به دست گرفتن کنترل فلسوجه در ژانویه بهره‌برداری کردند؛ شهری واقع در استان انبار در شمال غربی [عراق] که یکی از مراکز اصلی مقاومت در برابر اشغال بود و با یورش وحشیانه‌ی [نیروهای] آمریکایی در اکتبر و نوامبر ۲۰۰۴ بازپس گرفته شد.

به نظر می‌رسد داعش به خوبی سازماندهی شده باشد؛ برای نمونه می‌توان به ۸۷۵ میلیون دلار اندوخته‌های اشاره کرد که از طریق کنترل‌اش بر میدان‌های نفتی در شرق سوریه و همچنین فعالیت‌هایی نظیر قاچاق آثار باستانی از سایت‌های باستان‌شناسی سوریه به دست آورده است؛ سرقت از بانک‌ها و غارت اموال [پس از تصرف] موصل ممکن است تا یک‌ونیم میلیارد دلار دیگر به خزانه‌ی آن‌ها افزوده باشد [۱۱]. این که، بنا به گزارش‌های مستمر، دو دشمن بزرگ یکدیگر [یعنی] عربستان سعودی و رژیم اسد با داعش ارتباط دارند، نشان‌دهنده‌ی پیچیدگی و همچنین سیالیت سیاست در خاورمیانه است. [درک] این نوع صفت‌بندی، بنیان تلاش‌های ساده‌سازانه برای مقابل هم قرار دادن دولت‌های «مترقی» و «ارتجاعی» در خاورمیانه را فرومی‌پاشد.

به دلیل نبود شرایط کاری مناسب، کار پاره‌وقت انجام می‌دهند. (م.)

اما داعش نمی‌توانست تمام آنچه که دارد را بدون دشمنی خشونت‌ورزانه‌ی فرقه‌ای، فساد و ناکارآمدی رژیم مالکی به‌دست آورد. [بر چنین بستری است که] داعش از همکاری سایر نیروها در میان جمعیت سنی عراق بهره برده است. بعد از سقوط موصل و تکریت، نیویورک تایمز گزارش داد:

«با آشکار شدن تدریجی ابعاد یورش، واضح بود که تعدادی از گروه‌های ستیزه‌جو شامل فرماندهان نظامی بعث‌گرا از دوره‌ی [صدام] حسین، به نیروهای مهاجم ملحق شده‌اند... یکی از این بعث‌گراها، عزت ابراهیم‌الدوری، فرمانده نظامی ارشد و معاون اول رئیس‌جمهور در دولت [صدام] حسین و یکی از معدود بعثی‌های سرشناسی بود که از دستگیری به‌دست آمریکایی‌ها در طی اشغال گریخته بود» [۱۲].

پاتریک کوبرن در ادامه می‌افزاید:

شاید آغازگر یورش، داعش بوده باشد، اما چندین گروه دیگر به‌آن پیوسته‌اند. ما اکنون شاهد قیام عمومی مردم سنی عراق هستیم. این داعش نیست که شهر تکریت، زادگاه صدام حسین، را کنترل می‌کند، بلکه طرفداران قدیمی او [صدام] هستند که در حال برافراشتن پوسته‌های دیکتاتور سابق‌اند... [نیروهای] داعش در خط مقدم صفوف بسیار گسترده‌تری از ستیزه‌جویان سنی نظیر ارتش‌النقشبندیه و نیز گروه‌های مختلف بعث‌گرا قرار داشت. حملات به‌خوبی هم‌اهنگی و برزآمهریزی شده بود و احتمالاً با همکاری افسران سنی ارتش رسمی عراق همراه بود که از درون در حال تخریب نیروی دفاعی بودند [۱۳].

بسیاری از تحلیل‌گران اخطار داده‌اند که اگر داعش، پیشروی خود را به‌سمت بغداد ادامه دهد، جنگ داخلی فرقه‌ای سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ ممکن است از سر گرفته شود. اما هیچ قطعیتی در این باره وجود ندارد. هیات علمای مسلمین، که شورش سنی‌ها را پس از سال ۲۰۰۳ حمایت کرد، و نیز [روحانی] بانفوذ شیعه، آیت‌الله علی سیستانی، فراخوان مقابله صادر کرده‌اند. رسوایی و فروپاشی نسبی رژیم مالکی می‌تواند زمینه را برای دستیابی به توافق میان طیف [وسیعی] از نیروهای سیاسی عراق فراهم کند. شکاف‌های قومی، مذهبی و طبقاتی پیچیده ویژگی بارز عراق مدرن بوده است؛ اما آنتاگونیسم فرقه‌ای در وضعیت حاضر محصول اشغال و پی‌آمدهای بعدی آن است، و سنت‌های قدرتمند حاصل از جنبش‌های سیاسی در عراق (شامل حزب کمونیست و حزب بعث) را تحت تاثیر قرار داده است و از اختلافات اعتقادی (مذهبی) و قومی فراتر رفته است [۱۴]. ناپیوستگی اجازه داده شود تا کاراکتر [و چهره‌ی] دافعه‌برانگیز سیاست‌های جهادی-فرقه‌ای داعش بر این واقعیت سایه بیافکند که احیای دوباره‌ی «شورش‌های سنی» موجب بازگشایی وضعیت سیاسی عراق شده است، که با [تشدید] فرقه‌گرایی توسط ایالات متحد و [رژیم] مالکی به‌انسداد رسیده بود.

اما احتمال تقسیم عراق به [بخش‌های] شمال غربی سنی، شمال شرقی کردی، و مرکز و جنوب شیعه غیرقابل چشم‌پوشی است. دولت محلی کردستان از سال ۲۰۰۳، به‌طور مداوم، به‌دنبال توسعه‌ی خودمختاری خود بوده است. نیروهای این دولت، پس از سقوط موصل به‌سرعت به‌منظور تصرف کرکوک

حرکت کردند که از دیرباز دعوی آن را داشتند. فروپاشی عراق از درون، این کشور را بیش از پیش به بازیچه‌ی دست نیروهای خارجی بدل می‌کند. منطق متوقف کردن داعش و متحدان‌اش، دو پشتیبان اصلی مالکی، یعنی ایالات متحد و ایران را به همکاری عملی در عراق وادار می‌کند؛ گرچه آن‌ها در سوریه حامی قطب‌های مخالف هستند. واشنگتن و تهران، در هر صورت، با درگیر شدن در مذاکرات هسته‌ای جدی در حال نزدیک‌تر شدن به یکدیگر هستند. نشانه‌هایی بوده مبنی بر این‌که فاجعه‌ی سوریه، حتی رژیم سعودی را به برداشتن قدم‌هایی در راستای برقراری رابطه با ایران متمایل کرده است.

تونی بلر، طی یک موضع‌گیری حیرت‌آور و سرتاسر مضحک، هرگونه ارتباط میان بحران جاری در عراق و حمله [به این کشور] در سال ۲۰۰۳ را انکار کرده است، تهاجمی که او اکنون آن را بخشی از «جنگ علیه افراطی‌گری اسلامی» توصیف می‌کند [۱۵]. در این موضع‌گیری، این واقعیت کوچک نادیده گرفته می‌شود که حکومت بعث‌گرای عراق، یک رژیم ناسیونالیست پان-عرب سکولار بود. برلندازی صدام بزرگ‌ترین محرکه برای جهادی‌ها از زمان تهاجم شوروی به افغانستان بود. همان‌طور که جنگ داخلی سوریه جهادی‌ها را تقویت کرده، کودتای نظامی مصر (که شور و اشتیاق بسیار توسط بلر حمایت شد) نیز در این امر مؤثر بوده است. واقعه‌ای که منجر به آن شد که روزنه‌ی امید برای کسب قدرت [سیاسی] توسط اسلام‌گرایان از راه تلاش‌های قانونی و مسالمت‌آمیز مسدود به نظر آید.

امپریالیسم غربی نمی‌تواند از مسئولیت اصلی در قبال زجر [مردم] عراق طفره رود. اما شکی نیست که پیش‌روی داعش به بحران قدرت امپراتوری آمریکایی می‌افزاید. پیش‌تر، بی‌ثبات‌سازی موفقیت‌آمیز اُکراین توسط روسیه، سبب شد تا تقلای اوباما برای «ثقل‌گرایی»^{۱۵} منطقه‌ای آسیا-پاسیفیک^{۱۶} به‌منظور مواجهه‌ی عملی با ظهور چین به‌عنوان رقیب هم‌وزن، راه به جایی نبرد [۱۶]. و اینک باتلاق عراق دوباره او را فرا می‌خواند. بدون شک اوباما تمامی تلاش خود را به‌کار خواهد بست تا مانع بازگشت تعداد زیادی سرباز آمریکایی به عراق شده، و در عوض به‌توان هوایی و دریایی تکیه نماید: کار ۳۰۰ «مشاور» نیروهای ویژه^{۱۷} که اوباما به آن‌جا اعزام می‌کند، احتمالاً گردآوری اطلاعات و یافتن هدف برای حملات هوایی خواهد بود. اما هزینه‌های حاصل از گستاخی امپراتوری بیش از پیش رو به فزونی است.

۲۳ ژوئن ۲۰۱۴

* این متن ترجمه‌ای است از مقاله‌ی [Nemesis in Iraq](#) که در International Socialism journal منتشر شده است.

15 برای ترجمه‌ی واژه‌ی pivot در این کانتکست، این متداول‌ترین معادلی است که در متون مختلف به‌کار رفته است. هر چند گاهی معادل «چرخش» نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

16 Asia-Pacific (آسیا-اقیانوسیه یا آس-پک) (م).

یادداشت‌ها:

- ۱: Anderson, 2013, p95؛ با تشکر از Joseph Choonara ، Anne Alexander و Phil Marfleet برای کامنت‌هایشان.
- ۲: Dodge, 2012, Kindle location 2168؛ این کتاب مرجع ارزشمندی از اطلاعات درباره‌ی عراق پس از تهاجم و تحلیل آن است؛ با این‌که چارچوب فکری برآمده از مطالعات امنیتی آکادمیک آن را مقید کرده است.
- ۳: Dodge, 2010, p1277؛ برای تشریح ایدئولوژی دولت بوش، Callinicos, 2003, chapters 1 and 2 را ببینید.
- ۴: برای یک تحلیل معاصر عالی، Alexander and Assaf, 2005a and b را ببینید.
- ۵: Herring and Rangwalla, 2006, ch. 3.
- ۶: Dodge, 2012, Kindle location 1003.
- ۷: Ricks, 2009.
- ۸: Dodge, 2012, Kindle location 2866.
- ۹: Dodge, 2012, Kindle location 153.
- ۱۰: Dodge, 2012, Kindle location 3063.
- ۱۱: Chulov, 2014, and Khalaf and Jones, 2014.
- ۱۲: Al-Sahly and Arango, 2014.
- ۱۳: Cockburn, 2014. See also Cole, 2014.
- ۱۴: Ramadani, 2014؛ و برای چشم‌اندازی تاریخی، اثر بی‌نظیر Batatu, 1978.
- ۱۵: Blair, 2014.
- ۱۶: حتی گمانه‌زنی‌هایی وجود دارد مبنی بر این‌که احتمالاً روسیه، از طریق عربستان سعودی (که در تماس با شورشیان انبار است)، یورش تحت هدایت داعش را برانگیخته تا ایالات متحد را از اوکراین منحرف کند: Bhalla, 2014.

مراجع:

Alexander, Anne, and Simon Assaf, 2005a, "Iraq: Rise of the Resistance", International Socialism 105 (winter), www.isj.org.uk/?id=52

- Alexander, Anne, and Simon Assaf, 2005b, "Elections and the Resistance in Iraq", International Socialism 106 (spring), www.isj.org.uk/?id=89
- Al-Sahly, Suadad, and Tim Arango, 2014, "Iraqi Militants, Pushing South, Aim at Capital", New York Times (11 June), www.nytimes.com/2014/06/12/world/middleeast/iraq.html?_r=0
- .Anderson, Perry, 2013, "Imperium", New Left Review, 1/83
- Batatu, Hanna, 1978, The Old Social Classes and the Revolutionary Movements of Iraq: A Study of Iraq's Old Landed and Commercial Classes and of its Communists, Ba'athists and Free Officers (Princeton University Press)
- Bhalla, Reva, 2014, "The Intrigue Lying Behind Iraq's Jihadist Uprising", Geopolitical Weekly (17 June), www.stratfor.com/weekly/intrigue-lying-behind-iraqs-jihadist-uprising
- Blair, Tony, 2014, "Iraq, Syria and the Middle East" (14 June), <http://tinyurl.com/nflnx5r>
- Callinicos, Alex, 2003, The New Mandarins of American Power: the Bush Administration's Plans for the World (Polity)
- Chulov, Martin, 2014, "How an Arrest in Iraq Revealed Isis's \$2bn Jihadist Network", Guardian (15 June), www.theguardian.com/world/2014/jun/15/iraq-isis-arrest-jihadists-wealth-power
- Cockburn, Patrick, 2014, "Iraq Crisis: West Must Take Up Tehran's Offer to Block an ISIS Victory", Independent (15 June), www.independent.co.uk/voices/comment/iraq-crisis-west-must-take-up-tehrans-offer-to-block-an-isis-victory-9537866.html
- .Cole, Juan, 2014, "7 Myths about the Radical Sunni Advance in Iraq" (16 June) www.juancole.com/2014/06/myths-radical-advance.html
- Dodge, Toby, 2010, "The Ideological Roots of Failure: the Application of Kinetic Neoliberalism to Iraq", International Affairs, volume 86, number 6
- Dodge, Toby, 2012, Iraq: From War to a New Authoritarianism (International Institute for Strategic Studies)
- Herring, Eric, and Glen Rangwalla, 2006, Iraq in Fragments: The Occupation and its Legacy (C Hurst & Co)
- Khalaf, Roula, and Sam Jones, 2014, "Selling Terror: How Isis Details Its Brutality", Financial Times (17 June), www.ft.com/cms/s/2/69e70954-f639-11e3-a038-00144feabdc0.html#axzz34nMhomfw
- Ramadani, Sami, "The Sectarian Myth of Iraq", Guardian (16 June), www.theguardian.com/commentisfree/2014/jun/16/sectarian-myth-of-iraq
- Ricks, Thomas E, 2009, The Gamble: General Petraeus and the Untold Story of the American Surge in Iraq, 2006-2008 (Allen Lane)